



از یادداشت‌های محمد ابراهیم خان
عضو حفریات

حفریات در بامیان

چون عزت‌مند موسیوها کن جهت کشفیات آثار عتیقه بامیان و حفریات در آنجا از وزارت جلیله معارف اجازه حاصل نمود بنده بآنها بتاريخ یوم شنبه ۱۷ سرطان ۱۳۱۲ عازم سمت مذکور شده و بساعت پنج و نیم عصر وارد بامیان گردیدیم. نقطه که در سنه ۱۳۰۹ حفریات نموده بودند یعنی در شرقی بت‌خور بامیان چند سمو چها ئیکه درین جدار عمودی واقع بود و بگندام زمان یک پارچه این با بعضی سموچها که درین نقطه واقع بود غلطیده چنانچه بعضی حصه از آن سموچها بجای خودها باقی مانده و برخی از آنها که مربوط حصه غلطیدگی بودند اثری باقی نمانده بدون از ککنده سنگ های دریائی منجمد و کنده های گل سرخ بسیار سخت و خاک تا اندازه ۱۳ یا ۱۴ متر مرتفع از سطح زمین اصلی پیشروی این جدار یاد یوار قدرتی را بطوریک تپه تشکیل داده است درین جاده نقطه پهلو ی همدیگر جهت حفریات تعیین نمودند. یک سموچ که کمتر از نصف آن بر حال اصلی خود بود و باقی افتاده و سقف آن بطور گنبد و سموچ دیگر که از سقف آن اثری باقی نمانده یکطرف دیوار آن بقدر تخمیناً نیم متر ظاهر بود.

در همین سموچ دومین به ۱۹ سرطان عملیات حفریه شروع گردید بعد از چند

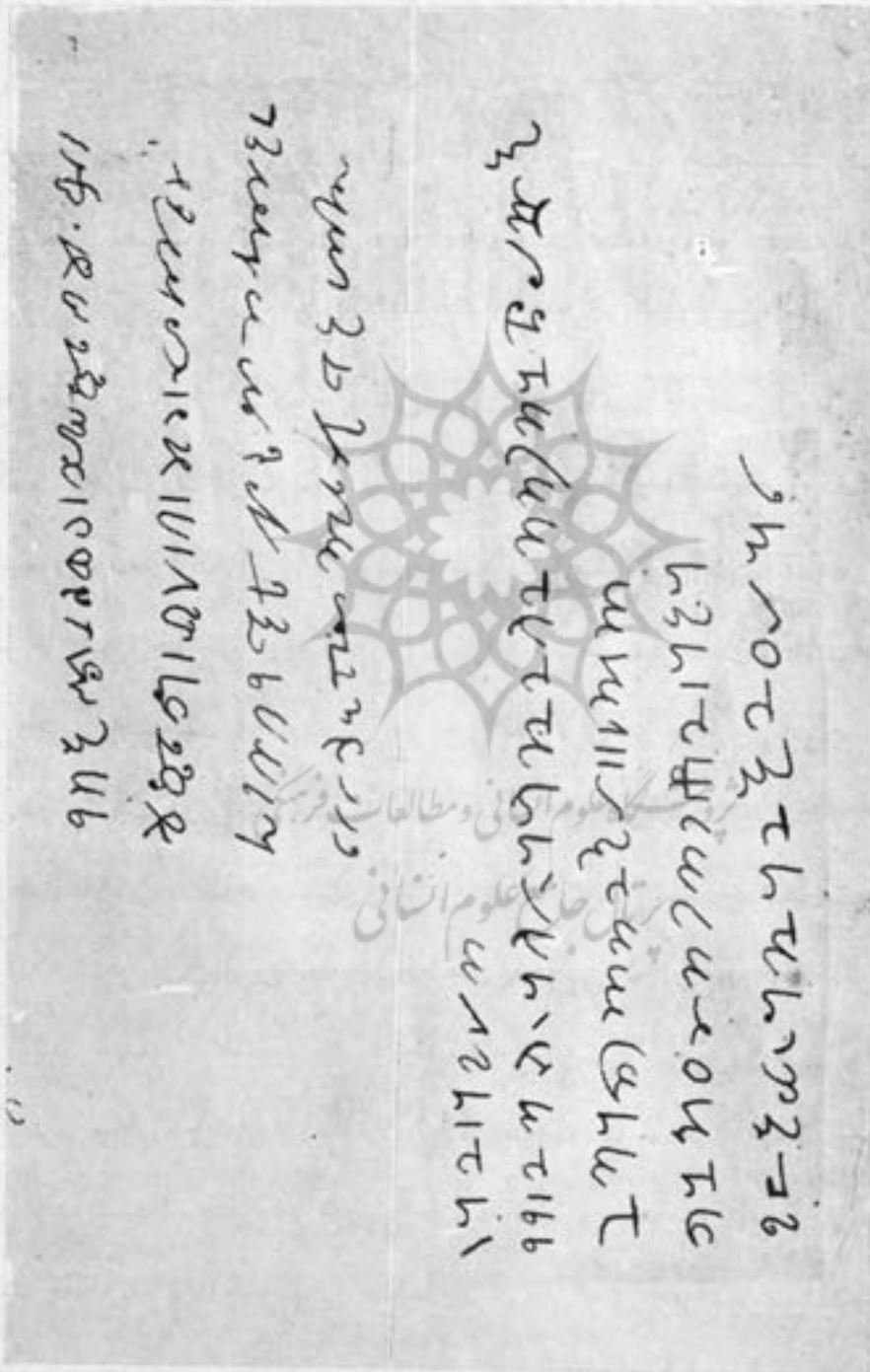
روز حفر که بین خانه مذکور از خاک تپه شدرتۀ خاک کاه گندم ظاهر میگردد و بعضی تکه های ظروف سفالین رویه شیشه از قبیل ظرف و فیکه از شهر غلغله دستیاب گردیده بود و دو پاکت کهنه یکی چرمی رویه و دور آن به نخ سیاه بافته گی دیگر رویه آن به سیم مس منقش دوخته شده و یک آوند چوبی خرازی کرده که بالای چرخ خرازی رنگ شده بود ظاهر گردید. سموچیکه در سنه ۱۳۰۹ کشف گردیده بود چیزی بکه از آنجا یافته شد همه آثار بودائی از قبیل سرهای مجسمه ها و خطوط سانسکرت و غیره بود و از سموچ منکشفه حال همه آثار اسلامی ظاهر گردید پس معلوم شد که یک حصه این تپه عمودی در همان زمان بودائی ها افتاده و کدام حصه دیگر آن بکدام زمان اخیر که بعضی از حصص افغانستان به تحت تصرف اسلام منور گشته در هم غلطیده و خراب شده. چون بعملیات سموچ دیگر اقدام گردید که از آن هم کشف آثار بودائی متصور بود اولاً در یک سموچ دیگر متصادف گردیدیم بر علاوه که از سقف آن اثری نمانده دیوارهای آنها از دو فت ارتفاع زیاده ظاهر نبود در سطح این سموچ بدون از قبله دو آب چیز مهم دیگر پیدا نشد. لکن متصل دیوار غربی آن پرزه های بسیار خورد در یعنی زمین و همای همان پوستهای نازک درخت که در آنها خطوط سانسکرت تحریر بود مخلوط بکاممیده ظاهر گردید و نیز در بین آنها دوسه پرزه از پارچه های بافته گی بسیار نازک پشمی که اصلاً خیلی نفیس بوده موجود بود. چون در بین آنها یک استخوان سرموش نیز ظاهر گردید معلوم است که اینهمه مواد در خانه موش بوده شاید بجوار این کدام سموچ که در آن آثار بودائی ظاهر از قبیل خطوط سانسکرت در آن وجود داشت خواهد بود. پس موسیوها کن و موسیو کرل بحفر سموچ فوق الذکر اقدام نه نموده دست از عملیات این نقطه کشیدند یعنی این حفریات به ۱۲ روز اختتام یافت و مزدور هارانی روز دو افغانی اجوره میدادند و دو نفر آن که بطور دهباشی بودند فی نفر سه و نیم افغانی برای شان

اجوره میدادند. درین ضمن اکثر روزها موسیو کرل به نقل نمودن يك تصویر بود استوا که در سقف مجسمه خور دیکه نزدیک غرب بت خورد با میان واقع است مشغول بود درین تپه عمودی که بین بت‌های ۵۳ متری ۳۵ متری واقع است بعضی سموچ‌هایی میباشد که نسبت بافتادن پارچه‌های روی این جدار را مزینه که از پائین تا آن سموچها میرسید از سالهای دراز افتاده از رفتن و دیدن مردمان همچنان محفوظ مانده یکدسته آنها که عبارت از شش سموچ تحتانی و فوقانی بوده برای بالاشدن در آنها يك زینه چوبی بالای دو نفر نجاریکه از کابل با آنها رفته بودند ساخته شد. این حصه بقدر ۲۱ فت از زمین ارتفاع داشت. این ۶ سموچ را دوراه که یکی ۶ پته و دیگری ۱۲ پته داشت با هم اتصال داده بود. دیوار سقف دو سموچ آنها پراز تصاویر بودائی بوده که بعضی جاگاه گل و پلستر حصه‌های دیوار آنها با تصاویری که در آن نقش بود افتاده و تقریباً روی همه تصاویر از ضرب تبر شکسته شده اگر چه دوسه ورق لایه گل و دود روی آنها را پوشانیده بود لکن از بعضی حصص آن ورقهای گل که از روی تصاویر افتاده بودند رنگهای لباس تصاویر هم تغییر پیدا کرده مغشوش گردیده اند آنها نیکه به زیر گل پوشیده بودند چون بآله‌های آهنی گل مذکور از روی آنها جدا کرده می شد نصف رنگ آنها که با گل چسبیده بود پائین می افتاد و نصف رنگ دیگر آن بجای خودش باقی میماند و يك سموچ بزرگتر که سموچ فوقانی گفته میشود از وضعیت سطح آن معلوم بود که يك توپ خور دستویه در بین این مرتب بوده لکن از توپ مذکور بجز از دو انج استردیوار که به یکطرف آن بود دیگر اثری باقی نمانده و در کنار دیوارهای این خانه سفته بار تفاع ۶ انج و عرض ۱۳ انج ترتیب یافته لکن سفته شرقی آن عریض و مرتفع تر بود و در سطح خانه مذکور از ۲ تا ۴ انج خاک و بعضی فضله‌های طیور و وحوش نیز وجود داشت. بدیوارهای این سموچ از نقوش و غیره اثری نبود لکن از سطح

زمین آن ازین خاک یکدور پرزه خورد محرر بخط سانسکرت دیده شد. پس دو نفر مزدور جهت جستن پرزه های دیگر تخصیص داده شد بنده نیز در تجسس این شرکت نموده آنچه خاک که در سطح آن بود از یکطرف همه را جمع نموده و بعضی پرزه های نوشته مذکور که بالای پوست نازک درخت تحریر یافته بود ازین خاک جمع می کردیم و نیز یک پارچه کاغذ سفید ازین خاک ظاهر شد که هر دوروی آن بخط سانسکرت تحریر گردیده بود اگر چه یکطرف آن کاغذ پوسیده شده بود لکن به نوشته قصان نرسیده این تحریر دارای اهمیت زیادی میباشد چه عبارتی که در آن تحریر است پوره و کامل میباشد و نیز برخلاف دیگر نوشته جات سانسکرت که از محفوره که در سنه ۱۳۰۹ کشف گردیده و بالای مواد نباتی تحریر یافته و از اندک بی احتیاطی از هم شکسته و پاشیده میشود بعضی در محاطت آن احتیاط زیادی بکار دارد هر گاه همه این نوشته ها مثل آن بالای کاغذی بود اینقدر خرابی هم بآنها متصور نبود بلکه هر گاه بطور کتاب میبود سلامت بدست می آمد. خلاصه پرزه های خورد و کلان دیگر و خطیکه بالای کاغذ تحریر بود همه را جمع نمودیم و علاوه برین بعضی تکه های خورد و کلان ملون از استر دیوار نیز ازین خاک ظاهر گردید چنانچه صفت جنوبی این خانه اصلی نبوده بلکه از خاک توپ بین خانه تشکیل یافته بود چه از برداشتن صفت مذکور از همین تکه های منقش و ملون بکثرت پیدا شد لکن اکثر آنها ریزه ریزه شده بود بعضی تکه های بزرگتر بنظر میخورد گرفته می شد موسیو کرل از ساختمان سموچهای مذکور فوتو ها و پیمائش گرفته یعنی بغور تمام پیمائش آنها به دو سه روز تکمیل نمود و چند پرزه های بزرگتر خطوط مذکور را موسیو هاکن و خانمش صاف نموده در بین آئینه ها گذاشته اطراف آئینه را بفته و سرش محکم نمودند معلوم گردید که دوره توب مذکور که آنهم مربع بود به نقوش ملون تزئینات شده بود. در ضمن این عملیات بتاريخ ۲۲ برج سرطان عازم شهر خرابه سر خوشک گردیدیم

شهر خرابه سرخوشك تخمیناً ۱۸ میل از بامیان مسافه دار دو بجوار سرک جد ید دره شکاری بالای یک بینی کوه واقع است که تشریحات آن قبل برین در سنه ۱۳۰۹ در وقائع حفريات و کشفیات بامیان تحریر شده بود. بسواری موتر رقیم چون نزد شهر سرخوشك رسیدیم اسباب عبور در بامهیا نبود بنا بران موسیو ها کن اظهار نموده که چون در کابل ع'ج' وزیر صاحب تجارت فرموده بودند که در اخیر مقام تاله یک شهر خرابه موسوم بشهر سکان میباشد لذارفته آنجا را نیز ملا حظہ میکنیم بنا برین موتر هارا رانده الی مقامات برفک و تاله رفته شهر مذکور ملاحظه شد از اثر آن بعضی دیوارها و سموچهائی که دهن آنها از خاک ریزه دور آنها خورد شده ظاهر و باقی زمین مزروعی گردید و برخی برودخانه دریا تبدیل گشته اصلاً یک شهر اسلامی گفته میشود که شاید از دست چنگیزیان خراب شده باشد لذا واپس سوار شده بعد نماز مغرب به بامیان رسیدیم - در یک سموچ مر بو طه را ه زینه بت خورد بامیان چند جا بعضی خطوط قدیمه تحریر بود که موسیو ها کن از آنها نقل نمود لہذا یک نقل آنها را ما نیز گرفته و درین مجله بطریق یادگار (در صفحه ۳۱ و ۳۳) همین شماره درج نمودیم موسیو ها کن گفت این خطهای قدیمه پہلوی میباشد که یک نفر در جرمنی و یکی در فرانس و بعضی از اهالی کبر مقیمہ ہند ترجمہ اینها را میدانند معلوم است کہ در زمان قدیم بعضی سیاحین کہ وارد اینجا گردیده اند بطریق یادگار بدیوار این خانه چیزی نوشته اند چنانچه این امر بہمہ معلوم است همچنانکہ در یک سموچ دیگر خط (میسن) امریکائی کہ قریباً صد سال قبل برین در افغانستان سیاحت نموده بطریق یادگار چیزی نوشته بود بعد ازین یکدسته سموچ دیگر کہ راہ آنها نیز مسدود گردیده مرتفع مانده و در زیر آن خانہ یکی از اهالی نیز واقع بود بنا برین زینہ مذکور در بالای بام اصطبل کہ محاذی آن بود گذاشته شده بالار رقیم - این دسته عبارت از پنج سموچ میباشد کہ در شرقی دستہ اول الذکر بعد از مسافہ

تقریباً ۴۰۰ قدم واقع است درین دسته نیز دیوار و سقف یک سموچ آن بر از تصاویر بودائی بوده که رنگ آنها متغیر گشته و از بعضی حصه های دیوار و سقف آن تصاویر



رسم الخط قدیم پهلوی متعلق مقاله متن

با استرروی دیوار مفقود و روی بعضی تصاویر این سموچ نیز شکسته لکن اکثر آنها درست میباشند مگر نسبت بر فتن رنگ آنها شباهت شان ظاهراً نمیباشد

ويك تصوير بزرگ بود استوا در بين سقف اين هم وجود داشت که روی آن شکسته شده بود موسیو کرل بعد از نقل تصویر اول الذکر این تصویر را نیز نقل نمود که بعد از آمدن کابل از روی این دو تصاویر نقل شده قرار امر وزارت جلیله معارف یک نفر از معلمین مکتب صنائع نقل نموده که حال بموزه موجود میباشد.

یوم یکشنبه اول اسد دوباره عازم شهر سر خوشک گر دیدیم موسیو ها کن قبلاً اظهار نموده بود که چند قطعه فوتو که در سنه ۱۳۰۹ از شهر مذکور گرفته بودیم خراب شده و بکروز در آنجا حفريات نیز مینمائیم بنابراین بتاریخ مذکور ۸ نفر مزدور باییل و کدال بمعیت موسیو (بورکارد) جرمنی معلم مکتب نجات که از کابل بآنها جهت تفریح رفته و ایام رخصتی خود را بآنها بطور مهمان گذرانید از راه کوتل (غندک) بسواری اسپ و پیاده رفتند و فردا بنده باموسیو ها کن و خانمش و موسیو کرل و احمد علیخان ترجمان (حال مدیر شعبه تاریخ انجمن ادبی میباشد) بسواری موتر رفته بالای شهر مذکور برآمدیم ۸ نفر مزدور مذکور دو ساعت در يك نقطه بالای شهر حفر نمودند بعد از حفر دو فت چوبهای پوش خانه از آن جا ظاهر گشت و نیز در حصه زیرین بقدر یک ساعت نیز حفر نمودند که چند تکه تیکرهای ملون بطور تکه های سفالین که از بین حفر شهر غلغله پیدامی شد ظاهر گشت اینقدر عملیات در آنجا شده بساعت ۳ ظهر واپس گردیده به بامیان عودت کردیم و هم در شهر مذکور از چند موضع فوتوها گرفته شد و بکمره سینمائیز فوتوها برداشتند. بتاریخ ۱۸ برج اسد به شهر ضحاک رفتیم از یائین شهر مذکور و از دوسه نقطه بالای او فوتوی سینما و دیگر فوتوی مفرد نیز برداشتند و به ۱۹ اسد تا نزدیک شهر مذکور به موتر و بعد از آن چند اسپ که کرایه کرده شده بود سوار شده بدره که آب کالو از آن جریان دارد رفته در محمل پایموری که يك موضع عجیب قدرتی یعنی دو جا بقدر زیاده از دو صد قدم بطور پل قدرتی میباشد که آب

۷۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۷۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۷۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۷۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۷۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۷۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۷۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۷۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۷۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۹۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۹۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۹۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۹۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۹۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۹۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۹۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۹۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

۹۱۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲

رسم الخط قدیم پهلوئی متعلق مقاله متن

از زیر آن میگذرد گمان میرود که بکدام زمان قدیم پارچه های بزرگ کوه افتاده در صورتیکه راه آب مذکور درین موضع تنگ بوده و سنگهاییکه بالای آن افتاده نیز خیلی بزرگ بوده دوپل قدرتی را تشکیل نموده است چنانچه در همین سالهای قریب هم بدو جایارچه های بزرگ کوه افتاده یکی نزدیک همین پایموری که از اثر آن یک آبشار غیر منتظم تشکیل یافته و تخمیناً نیم میل بالا تر ازین هم که حصه دیگر غلطیده دریا چهره را از سطح اصلی خیلی بلند برده را عبور متر دین رانیز مشکل نموده است و غیره دو آب باردار را در گذشتن آن مشقت زیادی میرسد موسیو کرل و خانم موسیوها کن از پایموری فوتوی سینما و دوسه قطعه فوتوی منفرد واحد نیز برداشتند بقدریکنیم میل دیگر ازینجا گذشته بسبزه زارهاییکه به سبز آب موسوم است و چراگاه مواشی صیفیه بعضی از اهالی میباشد بوقت چاشت فرود آمده نان و خوراکی که داشتیم تناول نموده بعد ساعتی گردش و اخذ فوتو ها به کمره سینما و غیر آن واپس گردیده وقت عصر به بامیان آمدیم .

در همین روزها موسیوها کن تخته های متعدد جهت تحریر تناسبات سموچهای مربوطه بت های بامیان بالای نجارهای خود تیار نمودند و در نصف تخته ها بخط فرانسوی و به نصف دیگر خط فارسی بقلم جلی تحریر شد . سموچهای مذکور را بدسته های (آ - ب - ج) و غیره نسبت نمود چون بهر دسته سه یا چهار سموچ مربوط میباشد یک سموچ را به معبد و یکی را به اجتماع راهبین و دیگری را بحجره منسوب کرده به تخته ها تحریر نموده شد و علاوه برین در بعضی سموچها نیکه معبد و اجتماع راهبین بوده یک تخته دیگر نیز نصب نمود که در آن یک ورق از کتاب وقائع تحریری خود او که به چهارپ رسانیده و پنج جلد آنرا بموزه خانه فرستاده است نصب نموده و شرح فارسی آنرا نیز آقای احمد علی خان موصوف نوشته به تخته های مذکور پهلوی همدیگر سرش کرده به سموچها آویزان کردند که در اکثر آنها یک یک عبارت از نفوذ سانسائی و یا صنعت ایرانی و فارسی قدیم تحریر شده است .